

ایران‌شناسی؛ نیاز امروز ما



دکتر محمود جعفری دهقی

عضو هیئت علمی گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران
رئیس انجمن ایران‌شناسی

ایران سرزمینی است برآمده از فرهنگ و تمدنی چندهزار ساله با پیشینه تاریخی سه هزار سال تاریخ مدون؛ روزگاری مدیریت جهانی در دستان توانای مردمان و مدیران این سرزمین بوده است. در درازنای یک‌هزار و پانصد سال پیش از اسلام، مکتبی دربردارنده دانش‌های زمان همچون فلسفه، پزشکی و نجوم به کار گسترش دانش و فرهنگ می‌پرداخت. این مکتب که از سوی گروهی از روحانیون یا مغان در عهد مادها با به‌هم پیوستن سه تمدن ساکنان فلات ایران با مهاجران آریایی و همسایگان میان‌رودانی بنیان نهاده شده بود، توانست حکمت ایران‌شهری را در خود بپروراند و آن‌گاه که ایران در عصر هخامنشی از برتری و توانایی سیاسی بیشتری برخوردار بود، آن حکمت را به مغرب زمین انتقال دهد. حاصل این تکاپوی علمی و فرهنگی در عهد ساسانی به دانشگاه جندی شاپور رسید. این دانشگاه یکی از مراکز علمی دوران باستان بود که از سراسر دنیای کهن برای تحصیل دانش فلسفه، پزشکی و نجوم به آن مراجعه می‌کردند. با ورود ایران به جهان اسلام، علوم و فرهنگ ایرانی رونق بیشتر یافت. حاصل آن کوشش‌های ابن مقفع و ترجمه آثار علمی از زبان‌های یونانی، سنسکریت، پهلوی و سریانی به زبان عربی که زبان علم در آن روزگار بود، پیدایی دانشمندی چون بوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی و بسی دیگر از این بزرگان بود. اگر چه مبلغان مسیحی به سبب مخالفت با اسلام، چهره ایران فرهنگی را به‌ویژه در قرون وسطا مخدوش کردند، اما به‌زودی مغرب‌زمین در عصر روشنگری به اشتباه خود پی برد و متفکران اروپای قرن هفدهم میلادی، ناگاه متوجه ایران و فرهنگ سترگ آن شدند. ترجمه آثار شاعران و متفکرین ایرانی چنان رواج یافت که به‌زودی بیشتر متون ادبی و حکمی فارسی به زبان‌های اروپایی ترجمه شد؛ کسانی چون منتسکیو با نامه‌های ایرانی به بزرگداشت فرهنگ و تمدن ایران پرداختند.

بدیهی است نگاهبانی و صیانت از این تمدن عظیم، کاری خرد نخواهد بود. تمدنی که اینک بار سنگین درخت تناور هزاران ساله را بر خود دارد. مسئولیت و خویشکاری ما در این باره بسیار گران است. به همین روی از دیرباز دانشگاه‌ها

و برخی نهادهای علمی به تربیت و تجهیز ایران شناسان پرداختند تا به حضور در دانشگاه‌ها و مراکز علمی غرب و شرق به معرفی و تشریح حکمت و فرهنگ و تمدن ایران اسلامی پردازند. بدین ترتیب، نقش استادان و کسانی که به‌عنوان رایزن فرهنگی به کشورهای دیگر اعزام می‌شوند، بسیار مهم و تأثیرگذار است. خوشبختانه بسیاری از این استادان دانشگاه‌ها از طریق آموزش زبان فارسی مردمانی را که تشنه آگاهی از حقایق فرهنگی ایران‌اند، آگاه می‌سازند. با این حال در این روزها شاهد کاهش اعزام استادان و دانش‌آموختگان ایران شناسی به بیرون از مرزهای ایرانیم. بدیهی است که علت کاهش استادان اعزامی، کاهش منابع مالی است. اما به نظر بنده حضور استادان زبان فارسی و ایران شناسی در صحنه‌های جهانی از هر جهادی اساسی‌تر است. تلاش‌های فرهنگی و خدمات ایران شناسی نباید به سبب کاهش بودجه‌های فرهنگی، کم‌رنگ شود. یکی از برنامه‌هایی که دانشگاه تهران در رشته ایران شناسی در نظر دارد و بنده نیز در انجمن ایران شناسی با یاری همکاران و اعضای این انجمن در دست اقدام داریم، شناسایی ایران شناسان و استادانی است که بیرون از این مرزبوم با تلاش بسیار و عاشقانه به تألیف و ترجمه آثار ایرانی و معرفی فرهنگ ایرانی مشغول‌اند. به یاد داشته باشیم اگر نسبت به این بزرگان کوتاهی کنیم، نسل ایران شناسان منقرض و زبان‌های جبران‌ناپذیری بر پیکر ایران شناسی وارد خواهد شد. باید دانشمندان و اندیشمندان را که به ایران عشق می‌ورزند و به تشریح فرهنگ و تمدن ایران می‌پردازند، به اشکال مختلف تشویق و ترغیب کرد و ایران‌دوستان را از این موهبت بهره‌مند ساخت. در این راستا نقش دانشجویان رشته ایران شناسی را نباید نادیده گرفت؛ گروهی که عاشقانه به فراگیری موازین و دانش ایران شناسی می‌پردازند و امید است که از توانایی‌های این جوانان به‌خوبی و شایستگی استفاده شود.

تأکید می‌کنم که تعلل و بهانه‌تراشی در وظیفه خطیری که بیان شد، موجب آسیب‌های بزرگی به ایران شناسی خواهد بود. یکی از آسیب‌هایی که به بازار گسترش زبان فارسی و ایران شناسی وارد شده، جایگزینی کرسی‌های زبان‌های دیگر که شاید بازار کار بیشتری دارند به جای کرسی ایران شناسی است. روند تغییر کرسی‌های زبان فارسی به دیگر زبان‌ها در غرب و شبه قاره و حتی آسیای مرکزی هر روز افزایش می‌یابد. کشورهای دیگر با صرف هزینه‌های گزاف به گسترش فرهنگ و تمدن خود می‌پردازند. شوربختانه برخی از این کشورها به‌خاطر خصومتی که با ایران دارند، موجب کج‌فهمی فرهنگ ایرانی و تبلیغ سوء علیه ایران عزیز می‌شوند. آسیبی که جبران آن در آینده چندان ساده نخواهد بود.

شاید بی‌مناسبت نباشد که همه سازمان‌های مسئول در زمینه گسترش زبان فارسی و ایران شناسی دست در دست یکدیگر نهند و به‌جای اختلاف نظر، به اهمیت نقش خود بیاندیشند. در این راستا پیشنهاد می‌شود سازمان‌های مسئول گزارشی دقیق و آماری از عملکرد خود را در زمینه فعالیت‌های خود و روند گسترش اعزام استاد زبان فارسی و ایران شناسی برای روشنی ذهن مردم ارائه دهند. امری که نگارنده نسبت به آن، چندان خوشبین نیست.